



شیوہ نامہ ترجمہ
قرآن کریم



محمد علی کوشا



نشرنی

شیوہ نامہ ترجمہ

قرآن کریم



شیوہ نامہ ترجمہ
قرآن کریم

محمد علی کوشا



سرشناسه: کوشا، محمدعلی، ۱۳۳۱ - **عنوان و نام پدیدآور:** شیوه‌نامه ترجمه قرآن کریم / محمدعلی کوشا / تنظیم مطالب محمدصادق قربانی‌پور / ویراستار علمی محمد جوکار باصری / ویراستار فنی مهدی خلیلیان / ناظر و مصحح عباس بهروزی‌فرد • **مشخصات نشر:** تهران، نشر نی، ۱۴۰۲ • **نوبت چاپ:** چاپ اول، ۱۴۰۲ • **مشخصات ظاهری:** ۲۱۹ ص • **شابک:** ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۶-۰۵۹۲-۸ • **وضعیت فهرست‌نویسی:** فیپا • **یادداشت:** زبان: فارسی-عربی؛ کتابنامه: ص [۲۱۳]-۲۱۹، همچنین به‌صورت زیرنویس • **موضوع:** قرآن - ترجمه - روش‌شناسی، Qur'an - Translating - Methodology؛ قرآن - ترجمه - آموزش برنامه‌ای، Qur'an - Translating - Programmed؛ ویراستار: قربانی‌پور، محمدصادق، ۱۳۷۵ -، تنظیم‌کننده instruction • **شناسه افزودن:** جوکار باصری، محمد، ۱۳۶۳ -، ویراستار: قربانی‌پور، محمدصادق، ۱۳۷۵ -، تنظیم‌کننده • **رده‌بندی کنگره:** BP۶۰/۶ • **رده‌بندی دیویی:** ۲۹۷/۱۰۷ • **شماره کتابشناسی ملی:** ۹۴۰۴۲۶۰

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

همکاران مؤلف:

تنظیم مطالب: محمدصادق قربانی‌پور
ویراستار علمی: محمد جوکار باصری
ویراستار فنی: مهدی خلیلیان (م. طلوع)
نمونه‌خوان‌ها: سیدعباس قدیمی‌نژاد، محمد زهره‌وند
ناظر و مصحح: عباس بهروزی‌فرد
صفحه‌آرایی اولیه: عبدالحکیم رحیمی



نشرنی

شیوه‌نامه ترجمه قرآن کریم
محمدعلی کوشا

نسخه‌پردازی و صفحه‌آرایی: الهه خلج‌زاده
لیتوگرافی: باختر • چاپ و صحافی: غزال
چاپ اول: تهران، ۱۴۰۲، ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۰۶-۰۵۹۲-۸

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰
کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۳۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴
www.nashreny.com • email: info@nashreny.com • nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن، کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۱
واکاوی لغت ترجمه.....	۱۳
تعریف ترجمه.....	۱۵
عناصر دخیل در ترجمه قرآن.....	۱۵
انواع ترجمه قرآن.....	۱۷
۱. ترجمه تحت اللفظی.....	۱۷
فوائد ترجمه تحت اللفظی.....	۱۷
معایب ترجمه تحت اللفظی.....	۱۸
۲. ترجمه تطبیقی.....	۱۹
۳. ترجمه تفسیری.....	۲۰
۴. ترجمه مضمونی.....	۲۰
آیا ترجمه قرآن جایز است؟.....	۲۳
ضرورت ترجمه قرآن کریم.....	۲۷
ویژگی های ترجمه قرآن.....	۲۸
رابطه ترجمه با تفسیر.....	۳۰
تفاوت های ترجمه و تفسیر.....	۳۱

۳۲	اصول و مبانی ترجمه
۳۳	رعایت نکاتی چند در شیوه ترجمه
۳۴	ویژگی‌های مترجم قرآن
۳۷	تعریف نثر معیار
۳۷	مطالعه بیشتر
۳۹	ترجمه ترکیبات نحوی
۳۹	۱. ترجمه حال مُفرد
۴۰	۲. ترجمه تمیز
۴۱	۳. ترجمه مفعول مطلق
۴۲	۴. ترجمه مفعول لَه
۴۳	۵. ترجمه مفعول فیه
۴۳	۶. ترجمه مفعول مَعَه
۴۴	۷. ترجمه ضمیر شأن و قصه
۴۵	۸. ترجمه «اسم فعل» در قرآن
۴۵	۹. ترجمه اسماء افعال در قرآن
۴۶	۱۰. ترجمه ضمیر فصل یا عِماد
۴۷	۱۱. ترجمه موصولات به «که» در زبان عربی
۴۷	۱۲. ترجمه افعال متضاد
۴۸	۱۳. ترجمه افعال مجهول
۵۱	۱۴. ترجمه افعال ربطی
۵۱	۱۵. ترجمه افعال ناقصه
۵۲	۱۶. ترجمه افعال مُقاربه
۵۲	۱۷. ترجمه نون تأکید ثقیله و خفیفه
۵۳	۱۸. ترجمه اِنّما
۵۳	۱۹. ترجمه ادوات شرط
۵۴	۲۰. ترجمه اصطلاحات قرآنی

۵۷	ترجمه واژگان مترادف
۶۱	مشترک لفظی در قرآن کریم
۶۳	استعمال لفظ در بیشتر از یک معنا
۶۶	قرینه مقابله
۶۷	دو مصداق قرینه مقابله
۶۹	معادل‌یابی واژگان قرآن
۶۹	ذکر شواهد و مثال‌ها
۶۹	۱. ترجمه یا بُنَى
۷۱	۲. ترجمه بَعْضُكُمْ بَعْضًا
۷۲	۳. ترجمه تَحْتَ عَبْدَيْنِ
۷۴	۴. ترجمه فُرُوج
۷۴	۵. ترجمه سَوَاءَات
۷۵	۶. ترجمه هَيْتَ لَكَ
۷۶	۷. ترجمه كَانَ ذُو عُسْرَةٍ
۷۶	۸. ترجمه «وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ»
۷۷	۹. ترجمه سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا
۷۸	۱۰. ترجمه حکیم
۷۹	۱۱. ترجمه مُحَاجَّه
۷۹	۱۲. ترجمه رَوْف، رَحِيم، وَدُود
۷۹	۱۳. ترجمه مَوَدَّت
۸۰	۱۴. ترجمه رَحْمَان
۸۲	۱۵. ترجمه مُخْلِص و مُخْلَص
۸۲	۱۶. ترجمه وَاسِع
۸۲	۱۷. ترجمه مُوسِع
۸۳	۱۸. ترجمه هَلُوع
۸۳	۱۹. ترجمه أَمْثَلُهُمْ طَرِيقًا
۸۳	۲۰. ترجمه فَلَك

۸۳.....	۲۱. ترجمه سَرَب
۸۳.....	۲۲. ترجمه آوَاه
۸۴.....	۲۳. ترجمه حَصُور
۸۴.....	۲۴. ترجمه کَید
۸۴.....	۲۵. ترجمه شَاكِلَه
۸۴.....	۲۶. ترجمه کَبَد
۸۴.....	۲۷. ترجمه ذَاثُ الصُّدُور
۸۴.....	۲۸. ترجمه سُحْت
۸۵.....	۲۹. ترجمه رَشید
۸۵.....	۳۰. ترجمه بِهیمَةُ الْأَنْعَام
۸۵.....	۳۱. ترجمه بِطَانَة
۸۵.....	۳۲. ترجمه مَا يَشْتَهُونَ
۸۶.....	۳۳. ترجمه لَطِيف
۸۶.....	۳۴. ترجمه شَطَط
۸۶.....	۳۵. ترجمه مَرَيْنَا
۸۶.....	۳۶. ترجمه رَيب
۸۷.....	۳۷. ترجمه سِجَلْ
۸۷.....	۳۸. ترجمه سُحِق
۸۷.....	۳۹. ترجمه سَقَطَ فِي أَيْدِيهِمْ
۸۷.....	۴۰. ترجمه طَلَح
۸۸.....	۴۱. ترجمه اِطْلَعَ
۸۸.....	۴۲. ترجمه مُحْكَمَات
۸۸.....	۴۳. ترجمه مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
۸۹.....	۴۴. ترجمه وَلَى
۸۹.....	۴۵. ترجمه فَضَّحِكَتْ
۹۰.....	توجه به ساختار زبان فارسی در ترجمه قرآن
۹۵.....	قاعده تضمین
۹۶.....	تضمین در لغت و اصطلاح

۹۶	فایده تضمین
۹۷	تضمین؛ حقیقت یا مجاز؟
۹۷	مصادیق تضمین در قرآن
۱۱۷	قاعده احتیاب
۱۱۹	انواع احتیاب
۱۲۰	مصادیق کلی احتیاب در قرآن
۱۳۵	لغزشگاه‌های مترجمان
۱۵۷	ترجمه سوره حمد
۱۶۱	ترجمه سوره توحید
۱۶۱	ترکیب آیات سوره
۱۶۵	ترجمه آیات آغازین سوره بقره
۱۷۱	منابع لغوی فن ترجمه
۱۷۷	منابع تفسیری فن ترجمه
۱۸۱	سیری در ترجمه‌های کهن
۱۸۵	ترجمه‌های قرن نهم به بعد
۱۸۹	ترجمه‌های قرن چهاردهم
۱۹۳	شماری از ترجمه‌های پس از انقلاب
۲۰۱	شماری از ترجمه‌های منظوم پس از انقلاب
۲۰۳	ویژگی‌های کلی ترجمه نگارنده
۲۰۴	شیوه‌نامه این ترجمه
۲۱۳	فهرست منابع

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

آشنایی با فن ترجمه قرآن کریم به زبان‌های گوناگون، به ویژه زبان فارسی، یکی از ضرورت‌های فرهنگی امروزه حوزه و دانشگاه است که باید در برنامه‌های تخصصی علوم قرآنی گنجانده شود تا طلاب و دانشجویان علاقه‌مند به این موضوع به درستی بتوانند رسالت رساندن پیام قرآن را به زبان‌های گوناگون عهده‌دار شوند و با فراگیری مهارت‌های لازم و کافی در فن ترجمه قرآن به جبران کاستی‌ها و تصحیح ترجمه‌های موجود بپردازند و خلأ بزرگی را که در این باره احساس می‌شود، به وجه احسن پر نمایند.

امروزه با توسعه چشمگیر علوم انسانی و ارتباط تنگاتنگ فرهنگ‌ها و تأثیر و تأثر آنها بر اندیشه‌ها و رشد روزافزون ارتباطات و القای گوناگون شبهه‌ها و خرده‌گیری‌های خرد و کلان دانشورانی بر قرآن در گوشه‌وکنار جهان از سرِ سوء نیت، یا صرفاً به انگیزه پرسشگری برای آگاهی و دانستن، باید زنگ بیدارباش تلقی گردد؛ باشد که متولیان امور فکری و فرهنگی را بیش از پیش به دغدغه وادارد تا در عرصه ابلاغ و تبلیغ رسالت الهی، راهکاری درست و استوار برگزینند و حقیقت دین را از متن اصلی آن یعنی قرآن کریم، در قالب ترجمه‌های استوار و نیز تفسیری کوتاه و دقیق درخور فهم همه قشرها و طبقات گوناگون مردم، به درستی و بدون کاستی و سستی عرضه بدارند.

اینجانب سالیانی چند در این باره به مطالعه و پژوهش پرداخته، پیگیری فن

ترجمه، برای ارائه صحیح انواع ترجمه‌های پنج‌گانه، از طریق آموزش طلاب و دانشجویان را امری لازم و بایسته تلقی نموده و کار خود را در قالب تدریس فن ترجمه قرآن و نگارش مقالات و نقدهایی بر ترجمه‌ها در طول سه دهه معطوف ساخته است که تألیف سه کتاب ترجمه‌آموزی قرآن کریم، پژوهشی در ترجمه‌های برتر قرآن کریم، سورآبادی و تفسیرش نشانگر بخشی از همین تلاش‌هاست.

با همین هدف بود که در مرکز فقهی ائمه اطهار، که یکی از مراکز قرآن‌پژوهی در حوزه علمیه قم است، برای شماری از طلاب عزیز تدریس فن ترجمه را شروع کردم که با استقبال مدیریت محترم و دست‌اندرکاران این مرکز علمی و طلاب گرامی آن مواجه شد. پس از ارائه دروس آموزش ترجمه و پس از تدوین و مرتب نمودن بحث‌ها توسط آقای محمدصادق قربانی‌پور — یکی از افراد فاضل کلاس — لازم دیدم همه آن مطالب را با نثری روان، وافی به مقصود، گویا و با اصلاح، تغییر و اضافاتی فراوان به نگارش درآورم که پس از انجام این کار، آقایان عباس بهروزی، سید عباس قدیمی‌نژاد و محمد زهره‌وند به نمونه‌خوانی آن پرداختند تا بدون اغلاط تایپی آماده چاپ و نشر گردد. امیدوارم این اثر برای همه طلاب و دانشجویان به ویژه قرآن‌پژوهان و مترجمان اثری مفید و قابل استفاده باشد.

محمدعلی کوشا

۱۴۰۱/۶/۱۵

واکاوی لغت ترجمه

واژه ترجمه در زبان عربی مصدرِ رُبَاعی بر وزن فَعَلَّلَ است. «تَرْجَمَ، يُتَرْجَمُ، تَرْجَمَةٌ» بروزنِ فَعَلَّلَ یَفْعِلُّ فَعَلَّلَهُ. در اینجا تَرْجَمَهُ و تَرْجَمَهُ هر دو یکی است، اما در اصل زبان عربی تَرْجَمَهُ به فتح جیم است، ولی بیشتر فارسی‌زبانان آن را به صورتِ غلطِ رایج یعنی تَرْجَمَهُ به ضمِّ جیم تلفظ می‌کنند. واژه ترجمه در دو معنا کاربرد دارد:

۱. برگرداندن سخن یا نوشته از زبانی به زبان دیگر؛ مثلاً گویند: «تَرْجَمَ کَلامَ غَیْرِهِ» یعنی سخن دیگری را به زبانی دیگر برگرداند.

۲. شرح حال افراد و اشخاص که امروزه آن را زندگی‌نامه (بیوگرافی)^۱ گویند، چنان‌که در علم رجال گویند: تَرْجَمَةُ فُلَانٍ یعنی شرح حال و بیوگرافی آن شخص.

در منابع لغوی یعنی فرهنگ‌های لغاتِ زبان عربی، مانند العین از خلیل بن احمد فَرَاهِیدی، یا مَقَائِیسُ اللُّغَةِ از ابن فارس، یا قَامُوسُ الْمُحِیط از فیروزآبادی، یا المصباحُ الْمُثْمِرُ از قِیُومی، یا اقْرَبُ المَوَارِدِ از شَرْتُونی لبنانی، یا الْمُعْجَمُ الوَسیطُ و الْمُتَجَدِّدِ واژه ترجمه در همه این منابع لغوی، از تَرْجَمَ یُتَرْجَمُ تَرْجَمَةٌ رُبَاعی است نه اینکه از رَجَمَ ثَلَاثی مُجَرَّد باشد.

ازهری در تهذیب اللغة، ترجمان را تحت ماده «رَجَمَ» آورده و سپس جوهری در صحاح به طور واضح‌تر ترجمه را زیر ماده رَجَم ذکر کرده، سپس ابن‌منظور در

قرن هشتم نیز از آنها نقل کرده است. بنابراین عقیده این دسته از معاجم لغت این است که ترجمه دراصل ثلاثی است، ولی با حرف تاء ملحق به رباعی شده است، نه اینکه اصالتاً از باب رباعی باشد.^۱ غیر از واژه ترجمه، واژه‌هایی نیز با عنوان تَرْجُمان یا تَرْجُمان (جمع آنها تَرَاجمه) داریم که هر دو تلفظ به معنای مترجم است؛ یعنی کسی که متنی را از زبانی به زبان دیگر یا گفتاری را به زبان دیگر ترجمه می‌کند. بنابراین ترجمه در لغت سخن یا نوشته‌ای از زبانی به زبان دیگر است. مثل تَرْجَمَةُ الْكِتَابِ که گاه به معنای مُقَدِّمَةُ کتاب و گاهی هم به معنای برگرداندن مطلب و محتوای کتاب است. یا مثلاً: تَرْجَمُ الْكَلَامُ یعنی آن سخن مُشَبَّه و پیچیده شد.

برخی از محققان گمان کرده‌اند واژه ترجمه عربی نیست، بلکه لغتی کلدانی و به معنای آفکندن است. دکتر محمود رامیار در کتابش تاریخ قرآن گوید: «ترجمه» لغت کلدانی و به معنای افکندن است. بعضی دیگر واژه ترجمه را از تَرْجُمان مُعَرَّبِ تَرْزبان یا تَرْزبانِ فارسی دانسته‌اند. در فارسی به کسی تَرْزبان گویند که زبان نرم و چرب و تَر و جَذاب داشته، خلاصه اینکه خوش‌سخن باشد. در فرهنگ‌هایی مانند غِیَاثُ اللَّغَاتِ^۲ و ناظِمُ الْأَطْبَاءِ نفیسی^۳ که از منابع لغت‌نامه دهخدا هستند^۴ آمده است: «تَرْجُمان دراصل تَر زبان بوده و از زبان فارسی به زبان عربی منتقل شده است.» خلاصه آنکه بعضی گویند واژه ترجمه لغتی عربی است و بعضی گویند لغتی کلدانی، یا سُریانی (شاخه‌ای از زبان آرامی) است. هر یک از این نظریه‌ها در حَذِّ احتمال‌اند و قطعی نیستند؛ چراکه در طولِ زندگی بشر رویِ کُرّه زمین در اثرِ تعاملات و مراوداتِ انسان‌ها این کلمات صورت‌های گوناگون پیدا کرده است.

۱. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۲۹.

۲. نقض غِیَاثُ اللَّغَاتِ، رعایت نکردن ترتیب کامل الفبایی لغات است، ولی بر مندرجات آن با اطمینان می‌توان تکیه کرد.

۳. تألیف دکتر علی‌اکبر ناظم‌الاطباء نفیسی کرمانی، ۱۲۶۳-۱۳۴۲ق.

۴. ر. ک. فرهنگ‌های فارسی به فارسی و...، ص ۲۲۲-۲۳۱؛ دهخدا با نظریه نویسندگان غِیَاثُ اللَّغَاتِ و ناظم‌الاطباء، مخالف و بر این باور است که ترجمه و ترجمان و دیگر مشتقات آن از «تَرْگوم» یا «تَرْگومین» آرامی گرفته شده و در عربی رواج یافته‌اند؛ ر. ک. روش‌شناسی ترجمه قرآن کریم، ص ۵-۶.

تعریف ترجمه

ترجمه عبارت است از: «برگرداندنِ متنی از زبانی به زبان دیگر با رعایتِ قانونِ ترجمه»؛ یا بگوییم: «برگرداندنِ متنی از زبانی به زبان دیگر یا گفتاری به زبان دیگر با رعایتِ مفهوم و محتوای آن».^۱

با توجه به این نکته، در ترجمه، یک زبان مبدأ و یک زبان مقصد داریم. مراد ما از زبان مبدأ در این بحث قرآن کریم، و مراد از زبان مقصد زبان فارسی است.

عناصر دخیل در ترجمه قرآن

دو عنصر اصلی در ترجمه قرآن بسیار اهمیت دارد که باید در هر ترجمه‌ای رعایت شود و لازم است که مترجم بدان پایبند باشد:

اول عنصرِ آدب (ادبیات): مراد از آن آگاهی مترجم از علوم ادبی است. علوم ادبی چهار علم است:

۱. علم صرف: درباره ساختار کلمه بحث می‌کند و انسان را قادر به ساختن کلمات و ساختارهای ضابطه‌مند آن می‌کند.

۲. علم نحو: از ساختار جمله‌سازی بحث می‌کند.

۳. علم لغت: درباره واژه‌هایی که عَرَب به کار برده بحث می‌کند.

۴. علم اشتقاق: علمی که بیان می‌کند هر کلمه از چه کلمه‌ای مشتق شده است که بخشی از آن مربوط به ساختارِ صرفی می‌شود. درحقیقت علم اشتقاق دو بُعد دارد: الف) بُعد صرفی که می‌گوید مصدرِ اصلی کلام است و از آن ماضی و مضارع و امر و نهی و اسم فاعل و اسم مفعول و... مشتق می‌شود.

ب) بُعد زبانی یعنی از چه زبانی به زبان دیگر منتقل شده است، مثلاً از زبان کلدانی، عبری، عربی، آرامی در خود اشتقاق نیز باید به منابع لغوی مراجعه کنیم،

۱. ترجمه شفاهی آن است که مترجم سخنان یک گوینده را فی المجلس به زبان دیگری برگرداند: روش‌ها، ص ۱۵۶-۱۵۷.

مانند تهذیب اللّغة ازهری، تاج العروس زبیدی و المصباح المُنیر قیومی که هر کدام در علم اشتقاق مطالب مفیدی را ذکر کرده‌اند که فلان کلمه از چه بابی است، ریشه آن از چیست، از کجا آمده و چه تغییراتی در آن صورت گرفته است. در کتاب المُنجد نیز که اثری عصری است شکل‌های ساختاری کلمات به خوبی نشان داده شده است.^۱

دوم عنصر هنر: مترجم علاوه بر عنصر ادب باید به عنصر هنر نیز توجه کند؛ یعنی باید با متون علوم بلاغی نیز آشنا باشد، مثل آشنایی با کتاب مَطُول تَقْتَازانی که از همه مشهورتر است یا مُختَصَر المعانی و نیز جَوَاهِرُ البَلَاغَةِ.

دانشتن علوم بلاغی (۱). علم معانی. ۲. علم بیان. ۳. علم بدیع یا همان مُحَسَّنَاتِ بدیعیّه) برای مترجم لازم است. دانشتن این علوم نیز از آن رو است که مترجم بتواند با زیبایی‌های الفاظ قرآن و کاربردهای بلاغی آن آشنایی پیدا کند و در مقام ترجمه تا آنجا که امکان دارد این زیبایی‌ها را به زبان مقصد انتقال دهد.

در علم معانی از قواعدی بحث می‌شود که کیفیت کلام و مقتضای آن را نشان می‌دهد. در این علم از مباحثی همچون تقدیم و تأخیر، حذف، ایجاز و اِطْناب، و وصل و فصل بحث می‌شود.

اما در علم بیان از مسائلی همچون تشبیه، کنایه، مجاز و حقیقت بحث می‌شود. علم بدیع نیز درباره چگونگی آرایش‌های لفظی و معنوی کلام پس از رعایت اصول بلاغت گفت‌وگو می‌کند که به دو بخش آرایه‌های لفظی (صنایع لفظی) و آرایه‌های معنوی (صنایع معنوی) تقسیم می‌شود.

۱. در گذشته شایعانی درباره المُنجد بود و آن را اثری ناچیز جلوه می‌دادند که آن هم به این علت بود که درآمد این کتاب صرف تبشیر مسیحیت می‌شود، چون نویسنده آن از روحانیان مسیحی لبنان است (فقه اللّغة، آشنایی با لغت‌نامه‌های عربی، بخش دوم (معاجم زبان عربی)، فصل چهارم (معاجم جدید)، ص ۱۰۵-۱۱۰). اما به چنین بهانه‌ای نمی‌توان این کتاب را نادیده گرفت؛ چراکه لغات متأخر و جدید را تا حدودی آورده و در اشتقاق لغات هم اثر مفیدی به حساب می‌آید. البته در خصوص لغات قرآن، المُنجد تا جایی اعتبار دارد که با قاموس‌های پیشین منافاتی نداشته باشد.

انواع ترجمه قرآن

ترجمه‌های قرآن کریم به چهار نوع تقسیم می‌شوند: ۱. تحت‌اللفظی؛ ۲. تطبیقی؛ ۳. تفسیری؛ ۴. مضمونی.

۱. ترجمه تحت‌اللفظی^۱

چنین ترجمه‌ای را ترجمه واژه‌به‌واژه یا زیرنویس گویند، یعنی زیر هر کلمه در هر آیه معنای آن نیز می‌آید. به عبارت دیگر، می‌توان گفت برگرداندن واژه‌های قرآن از زبانی به زبان دیگر با رعایت مطابقتِ نظم و ترتیب و حفظ دقیق معانی ترجمه تحت‌اللفظی را به وجود می‌آورد، مثلاً در سوره حمد «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ستایش از آن خداست، که پروردگار جهانیان است. لازم به یادآوری است این نوع ترجمه بیشتر جنبه لغت معنا و فرهنگ لغات دارد. اکثر ترجمه‌های قرآن از قرن چهارم تا اول قرن چهاردهم از نوع تحت‌اللفظی با اندک گرایشی به سمت تطبیقی است.

فواید ترجمه تحت‌اللفظی

دو فایده اساسی برای این نوع ترجمه می‌توان برشمرد:

۱. این نوع ترجمه لغت‌شناسی است و درواقع جنبه علم‌اللغه (آگاهی از معنای لغت) دارد و به وسیله آن لغت را می‌شناسیم. این شیوه برای آموزش لغات قرآن به نوآموزان بسیار مناسب است، یعنی کسانی که زبان عربی را نمی‌دانند می‌توانند با استفاده از ترجمه‌های تحت‌اللفظی به راحتی و به زودی معانی واژگان قرآنی را بیاموزند، البته فوایدی که بر دیگر ترجمه‌ها مترتب است نباید از ترجمه تحت‌اللفظی انتظار داشت.

۲. در این نوع ترجمه امانت در نقل مطالب و نظم و ترتیب، رعایت و مطالب بدون کم و زیاد بیان می‌شود و مخاطب و مترجم از نص کتاب دور نمی‌شوند،

۱. گروهی این‌گونه را «ترجمه شطرنجی» و... نامیده‌اند.

برخلاف روش ترجمه تفسیری و مضمونی که مطالب جنبی و اضافی، ترجمه را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. بهترین نوع این ترجمه ترجمه شیخ‌الهند است که نسبت به ترجمه‌های ماقبل از دقت بیشتری برخوردار است که اصل آن به زبان اردو بوده، سپس به فارسی ترجمه و به وسیله اینجانب بازترجمان شده است. از دیگر ترجمه‌های مشهور تحت‌اللفظی می‌توان ترجمه مشور صفی‌علیشاه (چاپ قدیم سنگی)، ترجمه عباس مصباح‌زاده و ترجمه محمدکاظم معزی را نام برد.

معایب ترجمه تحت‌اللفظی

۱. ترجمه تحت‌اللفظی مفاهیم قرآن را محدود و نامفهوم جلوه می‌دهد؛ زیرا چنین ترجمه‌ای تنها براساس صیغه و ساختار کلمات است، در صورتی که ساختمان کلام و نظم موضوع و محمول و متعلقات جمله‌ها حاکی از إفاده معنایی روشن است، چراکه در این نوع از ترجمه غالباً قواعد صحیح جمله‌بندی فارسی رعایت نمی‌شود و گاهی عرضه آن بدون حرف ربط و نسبت حکمی^۱ است، مگر اینکه مترجم مانند بازترجمان ترجمه شیخ‌الهند، کلمه‌ها و جمله‌ها را با مطالب داخل قلاب [کروشه]، یا دوکمان (= پرانتز) به هم مرتبط گرداند.

۲. این نوع ترجمه عاجز از معنای اصطلاحات و استعارات قرآنی است و نمی‌تواند هدف مورد نظر متن اصلی را تأمین کند، بلکه هدف از ترجمه را مختل و ناقص می‌کند. مثلاً در ترجمه آیه ۹۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ» در ترجمه تفسیر طبری آمده است: «بخورانیدند آن‌در^۲ دل‌های ایشان گوساله به کافری ایشان.» یا ابوالفتح رازی گوید: «بخور دادند در دل‌های ایشان گوساله به کفرشان.» در حالی که مفهوم آیه چنین است: «به سبب کفری که داشتند، دل‌های‌شان با پرستش گوساله سرشته و سیراب شد».

همان‌طور که دیده می‌شود، مترجمان فعل «أُشْرِبُوا» را به «خورانیدند» ترجمه

۱. نسبت حکمی: (اصطلاح منطق)، علاقه‌ای که میان موضوع و محمول به طریق اثبات یا نفی واقع شود.

۲. آن‌در: آداب ظرف، به معنای در، درون، در میان.

کرده‌اند و «قُلُوب» را به معنای «شکم». یا مثلاً برخی از ترجمه‌ها آیه ۱۲ سوره مُمْتَحَنه «بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلِهِمْ» را به صورت «پیشِ رو و پیشِ پا» ترجمه کرده‌اند! در صورتی که مراد از آن دامن آنهاست.

۳. در برخی ترجمه‌ها مترجمان دَقّتِ کافی در انتخابِ معادل نداشته‌اند، مثلاً خداوند در آیه ۲۲ سوره حِجَر می‌فرماید: ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ﴾ این آیه را سه گونه ترجمه کرده‌اند:

(الف) و بفرستادیم ما باده‌ها را کشت‌هایِ درختان (ترجمه تفسیر طبری).

(ب) و فرو می‌گشاییم بادهایِ آبستن (تفسیر میبّدی).

(ج) و فرستادیم باده‌ها را آبستانِ باربر (مَنْهَجُ الصّادِقین).

که ترجمه صحیح آن این است: «ما باده‌ها را بارورکننده [ی ابرها] قرار دادیم.»

۲. ترجمه تطبیقی

بدین معناست که ترجمه آیات در صفحه مقابل خود آیاتِ قرآن قرار می‌گیرد؛ یعنی صفحه آیات در سمتِ راست و صفحه ترجمه در سمتِ چپ و ترجمه آیات در کمّیت و کیفیتِ مطابق با متن باشد؛ یعنی اندازه حجم ترجمه به اندازه حجم آیات و همچنین زیبایی‌های لفظی متن قرآن حتّی الامکان در ترجمه هم آمده باشد. البته ترجمه قرآن مانند اصل قرآن معجزه نیست. اکثر ترجمه‌های قرآن بعد از انقلاب از همین نوع ترجمه است. جمع بُعد ادبی و هنری، بیشتر در ترجمه نوع تطبیقی نمایان می‌شود؛ از این روی بهترین نوع ترجمه، به معنای واقعی آن، ترجمه تطبیقی است.

مصادق این نوع از ترجمه را باید در ترجمه آقایان شهرام هدایت، حسین استادولی، صالحی نجف‌آبادی، بهاء‌الدین خرّمشاهی، موسوی گرمارودی، عبدالمحمّد آیتی، محمّد مهدی فولادوند، ابوالقاسم امامی، حسین انصاریان، سیّد کاظم ارفع، کریم زمانی، ناصر مکارم شیرازی، ابوالفضل بهرام‌پور، غلامعلی حدّاد عادل، کاظم پورجوادی، محمود صلواتی، علی کرمی، مسعود انصاری، هوشنگ آبان و شماری دیگر از مترجمان از جمله ترجمه نگارنده، که نشر نی آن را منتشر

کرده، مشاهده کرد. شایان ذکر است که اکثر ترجمه‌های قرآن از قرن چهارم تا اول قرن چهاردهم از نوع تحت‌اللفظی یا آحياناً با اندک گرایشی به سمت تطبیقی است.^۱

۳. ترجمه تفسیری

به ترجمه‌ای تفسیری گویند که با توضیح و تفسیر کوتاه همراه و ممزوج باشد. از این نوع می‌توان به ترجمه‌های ذیل اشاره کرد: ترجمه مرحوم فیض الاسلام که قبل از انقلاب نوشته شده و تفسیرها را در پرانتز آورده، و ترجمه دکتر مصطفی خرّم‌دل که بعد از انقلاب نوشته شده و تفسیرها را در پرانتز و نکات ادبی را در پانویس^۲ آورده است، ترجمه استاد سید محمد رضا صفوی که براساس ترجمه المیزان نوشته شده و تفسیرها را بدون پرانتز در متن آورده و در پانویس‌ها نیز توضیحاتی را آورده است.

۴. ترجمه مضمونی

به ترجمه‌ای مضمونی گویند که مضمون آیه‌ها در قالب زبان مقصد به شکل مفهومی گنجانده شود و به تعبیری مضمون آیه نقل شود، این نوع از ترجمه همان ترجمه آزاد است.^۳ ترجمه معانی القرآن آقای محمدباقر بهبودی و ترجمه مسعود ریاعی تقریباً از همین نوع است. ترجمه مرحوم جواد فاضل از نهج البلاغه که پیش از انقلاب نوشته شده نیز چنین است.

ضمناً ترجمه منظوم نیز به نوعی مضمونی شمرده می‌شود که مفهوم آیات در آن در قالب نظم ارائه می‌شود، نخستین ترجمه منظوم، ترجمه صفی علی‌شاه است که ترجمه و تفسیر منظوم آن حائز اهمیت فراوان است. پس از آن ترجمه منظوم عباس دوزدوزانی در میان ترجمه‌های منظوم پس از انقلاب اسلامی اهمیت فراوانی دارد.

۱. این تذکار در «ترجمه تحت‌اللفظی» نیز از نظرها گذشت.

۲. شماره تک (= ارجاع به پانویس) باید دقیق در جایی قرار گیرد که پانویس به آن مربوط است. این شماره لازم نیست در پرانتز یا علامتی دیگر بیاید. خوب است شماره‌های تک به تناسب هر صفحه رقم‌گذاری شوند؛ بر بال قلم، درس ۳۵، ص ۳۱۸.

ترجمه‌های دیگر از جمله ترجمه آقای امید مجد که بر اساس ترجمه دکتر محمد مهدی فولادوند سروده شده نیز سلیس و روان است. امید مجد در ترجمه آیه ۱۱۴ سوره شعراء: ﴿وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ به عنوان نمونه:

نَرَأَمْ کنون مؤمنان را ز خویش اگر چه فقیرند و زار و پَریش

یا در ترجمه آیه ۴۳ سوره بقره «وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» گوید:

به همراه مردانِ ایزدشناس بدارید حق را ثنا و سپاس

لازم به یادآوری است که ترجمه مضمونی جدای از اینکه جذاب و دلنشین است، ولی چهار اشکال اساسی دارد:

۱. ظرایف لفظی قرآن را به مخاطب انتقال نمی‌دهد.
 ۲. در ادا کردن ظرایف معنوی آیات نارسا است.
 ۳. ترجمه برخی کلمات از قلم می‌افتد.
 ۴. کلماتی به کار می‌رود که از مدلول آیات چنین برداشتی نمی‌توان کرد.
- اما در میان آثار مربوط به ساختار بلاغی قرآن کتاب بازتاب ساختار بلاغی قرآن کریم در ترجمه‌های فارسی^۱ از خانم صادقه یوسفی غروی اثری درخور توجه است.

